

تحلیل سیاسی هفته (۹۲) نگاهی به برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۷۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۲۰

مقدمه

مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان روز ۲۴ خردادماه برگزار خواهد شد. مرحله اول این انتخابات در ۱۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۳ برگزار شد. نتایج انتخابات در ۶ اردیبهشت‌ماه اعلام و براساس آن عبدالله عبدالله با ۴۴/۹ و اشرف غنی احمدزی با کسب ۳۱/۵ درصد از آرا بیشترین رأی را به دست آوردند. طبق قانون اساسی افغانستان، هرگاه هیچ‌یک از نامزدان نتوانند در دور اول بیش از ۵۰ درصد آرا را به دست آورند، انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد. عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی تا ۲۲ خرداد زمان دارند تا نظر مردم و نخبگان را نسبت به برنامه‌های خود جلب کنند.

تحلیل و ارزیابی

انتخابات اخیر افغانستان تمامی برنامه‌های سیاسی و اجتماعی این کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. مصاف همه‌جانبه برای برگزاری سالم این رویداد تبدیل به آیین‌های تمام‌نما از علاقه مردم و مسئولان افغانستان برای تغییر و تحول اجتماعی در سطح کلان شده است. برای جامعه‌ای که نزدیک به نیم قرن درگیر جنگ داخلی و حضور نیروهای افراطی و اشغالگران خارجی بوده، توانایی مدیریت چنین رویدادی از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. واکاوی برنامه‌های انتخاباتی نامزدها در دور اول گواه این مدعاست. از میان نامزدهای انتخاباتی عبدالله عبدالله، اشرف غنی احمدزی، زلمی رسول بخت بیشتری برای پیروزی داشتند. بررسی سخنرانی‌های انتخاباتی آنان از خطمشی بسیار مشابهی پیروی می‌کرد. قرارداد امنیتی با آمریکا، مدیریت تحولات اجتماعی، مذاکره با پاکستان و عربستان، طرح صلح با طالبان، تغییر چهره افغانستان در میان کشورهای همسایه و جهان، اولویت بخشیدن به بخش اقتصاد و مبارزه با فساد داخلی از اولویت‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری افغانستان بودند. رویکرد قومی، امنیت و نقشه راه از موضوعاتی هستند که نقطه قوت و ضعف کاندیداها در دور قبل به‌شمار می‌رفتند؛ از این‌رو در دور دوم نیز نامزدها در تلاش برای تقویت و یا اصلاح برنامه‌های خود در خصوص این موضوعات برآمده‌اند.

مبارزات انتخاباتی در دور اول و دور دوم نشان داد که نامزدهای ریاست‌جمهوری با رویکردی قومی به دنبال ارائه ایده‌ای ملی هستند. افغانستان کشوری بر مدار قوم‌گرایی است و مردم در این کشور خود را با هویت قومی خویش معرفی می‌کنند. حال رسوخ این ادبیات به میان نامزدهای ریاست‌جمهوری که برنده آن باید بر کل اقوام مدیریت یکسان و نگاه برابر داشته باشد، قابل تأمل است. کاندیداها با نمادهای قومی، خود را معرفی می‌کنند و در عین حال انتظار مشارکت ملی افغان‌ها در انتخابات و حمایت همگانی از طرح‌هایشان به‌عنوان رئیس‌جمهور آینده این کشور را دارند. این مهم در مورد عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی نیز صادق است؛ این دو، کارزار انتخابات را به تقابل قوم پشتون و تاجیک بدل

کرده‌اند. اشرف غنی هیچ‌یک از نمایندگان قوم تاجیک را در میان تیم انتخاباتی خود ندارد. عبدالله نیز علی‌رغم تبار پشتونی‌اش نمایندگی تاجیک‌ها را برعهده دارد و برخی ادعا می‌کنند که چشم بر کارآمدان پشتون بسته است. نکته حائز اهمیت و قابل بررسی در این است که مردم افغانستان در دور اول انتخابات نشان دادند علی‌رغم رفتار قومی در زندگی روزمره‌شان و همچنین رویکرد قومی کاندیداها در بند این موضوع برای انتخاب نماندند. تحلیلگران افغان خود بر این باور هستند که، در این انتخابات مردم یک پله جلوتر از نخبگان سیاسی و اجتماعی افغانستان ایستادند؛ آنان رأی خود را محصور در وابستگی قومی‌شان نکردند. همین عامل سبب شده است که عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی برای تبلیغات دور دوم انتخابات شیوه‌ای متفاوت و فراقومی را برگزینند. شاهد مدعا آنکه خیل عظیمی از بزرگان قوم پشتون از عبدالله عبدالله اعلام حمایت کردند و در مقابل اشرف غنی نیز با هدف قرار دادن بزرگان قوم تاجیک خلأ تبلیغاتی دور اول خویش را جبران و توانست حمایت احمدضیاء مسعود که از بزرگان قوم تاجیک است را به‌دست آورد. نکته حائز اهمیت دیگر در مورد دور دوم انتخابات، سفرهای تبلیغاتی نامزدها به شهرهایی است که گمان نمی‌رفت استقبالی از آنان صورت گیرد.

یکی از نقاط قابل تأمل در مبارزات انتخاباتی دور اول، ترسیم نقشه راه توسط نامزدهای انتخاباتی بود. نامزدها با اعلام برنامه کاری‌شان سعی در جلب نگاه داخلی و بین‌المللی داشتند؛ به واقع افغانستان در مسیری بی‌بازگشت قدم گذاشت. ادبیاتی نوین شکل گرفت که براساس آن نامزدها خود را به اجرای طرح‌های کلانی که به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری ارائه داده‌اند، مسئول دانسته‌اند. برای مثل عبدالله عبدالله و احمد زی برنامه‌ها و نقشه راه خود را به‌صورت دقیق و با ذکر جزئیات اعلام کردند و از این رهگذر خود را براساس برنامه‌هایشان مورد چالش و نقد قرار دادند. این امر چشم‌انداز روشنی پیش‌روی مردم و نخبگان افغان گشود. طرح‌ها و برنامه‌ها تبدیل به شعارهای انتخاباتی شدند. اشرف غنی با شعار «تحول و تداوم» و عبدالله عبدالله با شعار «اصلاحات و همگرایی» پا به میدان نهادند. اگرچه خط‌مشی و کلیت برنامه‌های نامزدها مانند دغدغه کلی همه افغان‌ها بسیار به هم شبیه است، اما راه‌های عملیاتی کردن این طرح‌ها باعث تمایز میان کاندیداها می‌شود. قرارداد امنیتی، گفتگو با عربستان و پاکستان و طرح صلح با طالبان اولویت اصلی همه کاندیداها بود. آنچه مبارزات انتخاباتی دور اول و دور دوم نشان داد فهم دغدغه مشترک میان همه افغان‌هاست. ایجاد ثبات و فضای امن برای کسب‌وکار، سازندگی بدون نگاه قومی، بازسازی فرهنگ بدون رویکرد امنیتی و ایجاد اطمینان برای نسل آینده افغانستان از جمله آن است. تحقق این اصول در چارچوب فهم نامزدها از شرایط داخلی، جنگ قدرت میان نخبگان سیاسی و قومی، روابط افغانستان با همسایگان و قدرت‌های خارجی خواهد بود.

ناامنی در افغانستان موضوعی نیست که نیاز به دلیل برای اثبات آن باشد. مبارزات انتخاباتی در دور اول با حمله به کاروان انتخاباتی عبدالله عبدالله آغاز شد، مردم برای حضور در پای صندوق‌های رأی از سوی طالبان تهدید شدند؛ اما انتخابات برگزار شد و حضور مردم نشان‌دهنده خواست عمومی برای بازگشت آرامش بود. در دور دوم نیز طالبان با حمله به کاروان‌های دو نامزد انتخاباتی تهدیدات خود را ادامه دادند تا جایی که چند روز پیش اقدام به ترور نافرجام عبدالله عبدالله کردند. از سوی دیگر، عبدالرسول سیاف یکی از سیاستمداران افغان که گفته می‌شود دارای گرایش‌های وهابی است، از تمامی هوادارانش خواسته به عبدالله رأی دهند. او رسماً مخالفت خود را با طالبان اعلام کرده است، این اعلام حمایت برای طرفداران طالبان بسیار معنادار تعبیر شده است. بررسی اعتراضات مردمی و عکس‌العمل نخبگان سیاسی و محلی به ترور نافرجام عبدالله عبدالله نشان می‌دهد، تهدیدات طالبان دیگر اثرگذار نخواهد بود، مردم بر این باورند که زمان مقابله اساسی با این تهدیدات فرا رسیده است.

نتیجه‌گیری

برای اولین بار پس از اشغال نظامی افغانستان توسط آمریکا و متحدانش فردی بجز حامد کرزای قرار است سکان ریاست جمهوری را در دست بگیرد. دور دوم انتخابات افغانستان در شرایطی برگزار خواهد شد که عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی هر یک از سوی نیروهای طالبان بارها تهدید به مرگ شده‌اند؛ طرفدارانشان مورد آزار و ستادهای انتخاباتی‌شان مورد هجوم قرار گرفته است. حضور گسترده مردم افغانستان در دور اول ریاست‌جمهوری و بی‌اعتنایی به تهدیدات طالبان، سخره گرفتن قدرت آنان تعبیر شد. بسیاری بر این باور هستند که نیروهای طالبان دور دوم انتخابات را مجالی برای قدرت‌نمایی مجدد تعبیر خواهند کرد؛ از این رو تدابیر امنیتی در آستانه برگزاری انتخابات و به‌خصوص پس از ترور ناموفق عبدالله عبدالله به شدت افزایش یافته است.

رویکردهای عبدالله عبدالله و اشرف غنی درخصوص گذر از بحران بسیار نزدیک به هم است. طرح صلح، مذاکره با طالبان، قرارداد امنیتی، ساماندهی به اوضاع اقتصادی و... مواردی هستند که هر دو کاندیدا بر آن صحنه گذاشته‌اند. با این حال نزدیکی اشرف غنی به عربستان، همان‌طور که رسماً در سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش نیز اعلام کرده است و مطرح شدن بحث همسویی عبدالله با سیاست‌های ایران، هر یک از دو کاندیدا را در مصاف انتخابات از سوی کاندیدای رقیب به چالش خواهد کشید. اعلام حمایت چهره‌هایی شاخص همچون عبدالرسول سیاف، صداق مدبر و... از تیم اصلاحات و همگرایی، بخت انتخاب عبدالله را بیشتر کرده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ترور نافرجام عبدالله عبدالله توسط نیروهای طالبان و موج محکومیت این اقدام در آستانه برگزاری انتخابات کفه ترازو را به نفع او سنگین کرده باشد. به واقع، طالبان ناخواسته در هفته آخر مبارزه انتخاباتی بمبی تبلیغی به نفع عبدالله منفجر کرد.

سکوت کشورهای صاحب‌نفوذ در منطقه یا فرامنطقه‌ای گواه حساسیت بیش از پیش این انتخابات است. آنان به دقت جریان‌ها را دنبال می‌کنند، اما تحلیلگران بر این باور هستند که به دلیل حساسیت بالای اوضاع افغانستان، هیچ‌یک از کشورها تمایل ندارند در تأیید یا رد هیچ‌یک از کاندیداها سخنی بر زبان برانند. این امر می‌تواند، در کنار حساسیت اوضاع به معنای نزدیکی سیاست‌های دو رقیب نیز باشد.

